

اندیشه

شماره هفتم

اندیشه و هنر

دوره دوم

لیبرالیسم اقتصادی یا اقتصاد ارشادی :

« جامعه باید مجموعه‌ای منظم و زی‌حیات باشد نه آنبوه عده‌ای از »
« افراد که با یکدیگر در حال جنگ هستند ، ارزش فقط متعلق بچیزهای »
« مادی نیست و عوامل تولید ثروت علاوه بر زمین و نیروی کار سرمایه »
« شامل سرمایه فکری نیز می‌باشد چه ممکن است در کشوری کلیه عناصر »
« لازم برای فراوانی و رفاه عمومی موجود باشد ولی مردم آن کشور ندانند »
« چگونه از این عوامل برای بالا بردن ارزشهای زندگی استفاده کنند. »
آدام مولر - اقتصاد دان آلمانی

از نشریه‌های دبیرخانه شورای عالی اقتصاد نسخه‌ای هم برای «اندیشه»
و هنر» ارسال میشود . ظاهراً آخرین شماره این نشریه‌ها مطالعه‌ای است که
در خصوص بازرگانی خارجی و حمایت صنایع داخلی بعمل آورده‌اند . در
این مطالعه از خواننده خواسته شده که پس از بررسی نشریه عقیده
خود را بدبیرخانه شورا اعلام بدارد . و ما اینک با استفاده از همین فرصت
است که آنچه در این باره فکر کرده ایم روی کاغذ می‌آوریم .
در این هرج و مرج و آشوب‌ناکی که نظیر اقتصادی که هموطنان عزیز ما

شاهد آن هستند و در میان این فساد و درهم ریختگی اداری و فقدان نقشه و تمرکز که شاید بندرت دیده شده باشد چقدر اسباب خوشوقتی است که مرکزى بوجود بیاید و بمطالعات اقتصادی بپردازد! ارزش نشریه دبیرخانه شورای عالی اقتصاد را هنگامی میتوان با واقع بینی احساس نمود که نگاهی بیازارهای ایران در سالهای اخیر بیندازیم و تماشا کنیم که چگونه کوچکترین و بی ارزش ترین کالاهای مصرفی بیگانه با سهولت و استقبال از دروازه های فراخ گمرکی وارد میگردد صنایع و تولید مشابه خود را دچار تعطیل و نابودی میسازد، مشتی صنعتگر یا کشاورز را بیکار و آواره میگردد و آنوقت برای ورود آنها مزایا و خواص هم قائل میشوند و حماسه هامیسرایند. خوشوقتی ما از این جهت است که بالاخره يك سازمان رسمی از افرادی که برای کار خودشان صلاحیت دارند بوجود آمده است و در محیطی که مفاهیم و عناوین سیاست بازرگانی خارجی موازنه پرداختها حمایت صنایع داخلی و مصاحح توسعه اقتصادی حتی برای خواص و ارباب فن بیگانه و غیر مفهوم است ب فکر سیاست بازرگانی خارجی و حمایت از صنایع داخلی ایران افتاده و برای احتراز از پیش آمدهای ناگوار اقتصادی و برخورد به بن بست مالی چاره جوئی میکند و پیشنهاد میدهد.

ما برای اقتصاد ایران و زور بردن با آینده دشوار و پر نشیب و فرازی که در انتظار جهانیان است با منطق و جهان بینی علمی مشخصی معتقد به مطالعه و طرح ریزی میباشیم. زندگی کردن در دنیائی که تغییرات و تحولات عظیم و پردامنه اش در فواصل زمانی کوتاه و زود گذر بوقوع میپیوندد نقشه و برنامه میخواهد و پیروزی در نبرد بزرگ صنعتی و تولیدی کنونی مستلزم داشتن مایه علمی و تکنیک است. بر اساس همین طرز تفکر نشریه های دبیرخانه شورای اقتصاد را مورد مطالعه قرار میدهیم و بنا بر این نظر ما در مورد این نشریه ها نمیتواند مبتنی بر مخالفت مطلق و در بست یا موافقت همه جانبه و يك جا باشد. زیرا ما هم آنچه مورد توجه و مطالعه تنظیم کنندگان و نویسندگان نشریه بوده است مطالعه و بررسی کرده ایم و شاید آنچه در باره اقتصاد ایران و سیاست بازرگانی خارجی مملکت میاندیشیم در آخرین تجزیه و تحلیل مورد قبول و تائید عده از تنظیم کنندگان نشریه های دبیرخانه شورای عالی اقتصاد قرار گیرد.

مطالب نشریه را میتوان سه قسمت کرد: در مقدمه نشریه اشاره سیاست بازرگانی خارجی ایران در سالهای اخیر و اوضاع اقتصادی معاصر بعمل آمده است. قسمت دوم بر آوردی است از پرداختهای آینده ایران مزبوط به سر رسید قرضه های خارجی. و آخرین قسمت که نتیجه و ماحصل بحث و استدلال است سیاست بازرگانی خارجی ایران را - که بقول نویسندگان نشریه بصورت يك مشکل اقتصادی درآمده است - «فرموله» و مشخص میسازد.

اما قبل از بحث و مطالعه درباره مطالب این نشریه وهم برای درك و هضم بهتر آن، بررسی کوتاهی از اصول مکتب اقتصاد کلاسیک و حوادث تاریخی که به طرد و رد اصل معروف «بگذار بشود بگذار بگذرد» منجر شد بطور بسیار اجمالی ضروری بنظر میرسد. این ضرورت از چند لحاظ است: اول اینکه آیا حمایت از سیستم ابتکار آزاد و رقابت در دنیای کنونی و در شرایط خاص ایران از لحاظ تاریخی و جغرافیائی تا چه حدودی صحیح میباشد. دوم اینکه آیا اتخاذ يك سیاست بازرگانی خارجی محدود و حمایت گمرکی شدید برای تکامل اقتصادی ایران مورد نیاز نیست؟ و بالاخره اینکه آیا حمایت از ابتکار آزاد و رقابت و داشتن دروازه های گمرکی باز بهمان میزان که مورد قبول و عمل سرمایه دارپهای صنعتی بزرگ مانند امریکا و انگلیس قرار گرفته بصالح و صرفه کشورهای کشاورزی عقب افتاده آسیا و افریقا هم هست؟

اقتصاد کلاسیک مبانی خود را بر اصول زیر استوار میکند:

- ۱ - تعادل بین تولید و مصرف در رژیم رقابت و آزادی اقتصادی خود بخود و از طریق عرضه و تقاضا برقرار میشود.
 - ۲ - منافع خصوصی افراد و مصالح عمومی جامعه باهم هم آهنگی دارد و هر چه افراد میزان تولید را برای بردن سود زیادتر کنند جامعه نیز سود بیشتری خواهد برد.
 - ۳ - آزادی ابتکار و رقابت در اقتصاد داخلی مستلزم آزادی تجارت بین المللی است.
 - ۴ - قوانین اقتصادی خود بخود طبیعی و مفید است تعادل اقتصادی را دستی نامرئی برقرار مینماید و علیهذا دخالت دولت در اقتصاد کشور اصولا زیان بخش و مخرب خواهد بود.
- اما تاریخ شاهد صادقی است که این اصول از همان روز که وضع و

تدوین شد مورد انتقاد قرار گرفت و حوادث زمانه عدم صحت آنها را بتدریج اما بطور مداوم اعلام نمود. در ۱۸۱۸ از سیسموندی دعوت شده بود مقاله در خصوص اقتصاد برای دایره المعارف بریتانیکا بنویسد. سیسموندی فکر میکرد کار اوساده است و اصول مورد قبول را خلاصه خواهد کرد. اما سال ۱۸۱۸ یکی از سالهای بدبختی بشر بود و جریان حوادث اقتصادی میرفت که بطلان اصول لیبرالیسم را آشکار بسازد. هم‌چنان که سقوط ناپلئون نزدیکت میشد سازندگان و بازرگانان انگلیسی یعنی موطن «آدام اسمیت پدر علم اقتصاد» که باز شدن بازار گرسنه اروپا را پیش بینی مینمودند انبهارهای بزرگ خود را از صادرات انباشتند ژوئن ۱۸۱۵ واترلورا برای جهانیان رنگ آمیزی کرد. چندماه پس از آن نیز بخوش بینی گذشت و سفته بازی و احتکار ادامه یافت اما بزودی دانسته شد که مصرف کننده اروپائی وسیله برای خرید کالا ندارد. عده از بازرگانان انگلیسی ورشکسته شدند و کالا در بازارهای اروپا باد کرد. سال بعد از واترلو سال رکود و کساد بود در ۱۸۱۷ بازار رواج مختصری گرفت و در سال بعد مقدمات رکود و بحران از نو آشکار شد. این اوضاع اصولی را که سیسموندی از آدام اسمیت پذیرفته بود متزلزل میکرد. سیسموندی از زجر و محرومیت کارگران صنعتی بشدت متأثر شد و وضع انگلیس برای او از همه پر معنی تر بود. سرزمین اقتصاد دانان - سرزمین دکتربین آزادی اقتصادی و ابتکار و رقابت! اگر این سرزمین با بازگشت بصلح دچار فقر و احتیاج شده بود آیا در اصل و مبنای دکتربین «بگذار بشود بگذار بگذرد» اشتباهی رخ نداده است؟ هنگامی که هر کس آزاد بود آنچه میتواند تولید کند بنظر میرسد هیچ کس نمیتوانست آنچه احتیاج دارد بمصرف برساند. سیسموندی تصمیم گرفت مسئله را حل کند. نتیجه تلاش سیسموندی اولین سعی و کوشش تاریخی است که برای حل مسائل اقتصادی و تصحیح دکتربین اقتصاد آزاد صورت گرفته است.

مهمترین انتقاداتی که عملاً با اقتصاد لیبرال وارد است بساین شرح خلاصه میشود:

- ۱- رقابت آزاد خود کشنده رقابت میباشد زیرا در رژیم آزادی اقتصادی تواید کنندگان قوی ضعیفارا از بین میبرند و در نتیجه ایجاد تمرکز اقتصادی بازار را در انحصار در میآورند.
- ۲- لیبرالیسم اقتصادی تعادلی بوجود نمیآورد بلکه هرچ و مرج و فقر

ومحرومیت و بحران میوه آنست .

۳- آزادی اقتصادی تولید را غالباً متوجه رشته‌های غیر مفید میسازد
نواصل طبقاتی را زیاد میکند و برخی فقرا میافزاید .

۴- و بالاخره لیبرالیسم نمیتواند مصرف را مانند تولید بالا ببرد لیبرالیسم
حتی حداقل زندگی افراد را تأمین نمیکند و در حالی که ملیونها نفر محتاج کالا
های مصرفی میباشند مقادیر فراوان کالا نابود میشود تا قیمت‌ها تثبیت گردد.
سیر تکامل اقتصادی توأم با حوادث تاریخی بحران‌های بیکاری و محرومیت
و فقر روزافزون قسمت اعظم جامعه که بارسنگین تولید را عهده داشت دو
جریان مختلف بوجود آورد و اساس اقتصاد لیبرال را دستخوش تشکیک و تغییر
قرار داد. سوسیالیسم بانفی مالکیت خصوصی و سائل تولید و توزیع و سپردن جریان
کلنی اقتصاد بدست جامعه نظام اجتماعی جدیدی ایجاد مینماید اما در این جا
اصول سوسیالیستی مورد عمل نیست و از بحث ما خارج میگردد . در مقابل
سوسیالیستها اقتصاد یون جدید یا نئولیبرالیستها بدون آنکه اساس مالکیت
خصوصی را نفی کنند و رقابت و ابتکار را بطور مطلق از پیش بردارند با اتخاذ
وسائل و تدابیر معروف و جلب مداخله دولت و طرح و تنظیم نقشه‌های اقتصادی
موقتی یا بلند مدت عیوب و کمبودهای اقتصاد کلاسیک را تا حدی قابل ملاحظه
تصحیح و جبران نمودند. در این سیستم با اجرای سیاست‌های پولی و مالی تولید
و بازار کنترل میشود و از تملک قسمت عمده منابع ملی بوسیله افراد معدود
جلوگیری بعمل میآید . ملی کردن بعضی از صنایع و وسائل تولید و توزیع قدم
دیگری بود که در جهت تنظیم و ایجاد اقتصاد رهبری شده برداشتنند .

دو جنگ بزرگ بین المللی و حوادث و بحرانهای ناشیه از آنها خصوصاً
بحران بزرگ ۱۹۲۹ اساس اقتصاد لیبرال را بکلی متزلزل ساخت و عملادنیایا با این
نتیجه رسید که برقراری خود بخود تعادل بین تولید و مصرف تصوری پوچ و باطل
است و برای ایجاد رفاه و آسایش و اجتماع و اجتناب از بحران و فقر باید دست بکار
تنظیم نقشه و رهبری جریان تولید و توزیع گردید .

درست است که قبل از « کینز » مداخله دولت در اقتصاد کشورها باب و
متداول شده بود اما این اقدامات عبارت از یک رشته مداخله پراکنده و بی نقشه
محسوب میگردد که هدف خاصی را هم تعقیب نمی نمود. اصول عقاید و نظریات
کینز اساس و مبنای یک اقتصاد رهبری شده را بوجود آورد. کینز معتقد بود بهترین
راه مبارزه با بحران و بیکاری ایجاد کار برای همه و بکار بردن کلیه نیروها

و منابع اقتصادی است. کینز برای ایجاد یک جامعه متعادل اقتصادی بر نامه زیر
را پیشنهاد مینمود.

۱- اتخاذ یک سیاست پولی و اعتباری سالم بنحوی که حجم پول و اعتبار
متناسب با احتیاجات اقتصادی جامعه باشد بتوسعه اقتصادی کمک نماید و بیکاران
را بکار بگمارد.

۲- انجام عملیات عمرانی و تولیدی از طرف دولت در دوره کود فعالیت
اقتصادی.

۳- تجدید نظر در توزیع درآمد (و ثروت) بوسیله وضع مالیات و بالا بردن
سطح مصرف.

۴- و بالاخره کینز از لحاظ سیاست عمومی اقتصادی متمایل ب سیاست
حمایتی است. کینز معتقد است که در دوره بیکاری و رکود باید با اتخاذ یک
سیاست حمایتی شدید و ایجاد سدهای گمرکی از ورود کالاهای خارجی ممانعت بعمل
آید و حتی اگر قیمت های تمام شده داخلی بیشتر از اجناس مشابه خارجی باشد
باز هم بنظر کینز انصراف از سیاست حمایتی صحیح نیست. سیاست آزادی
مبادلات بعقیده کینز فقط در دوره ای که کلیه منابع اقتصادی بکار افتاده است
قابل دفاع میباشد.

با این ترتیب اساس و مبانی اقتصاد ارشادی روشن و مشخص میگردد و
هدف های آن با وضوح بچشم میخورد بطور کلی میتوان اقتصاد رهبری شده
یا ارشادی را چنین تعریف نمود:

اقتصاد رهبری شده هدایت اقتصادی کشور در جهت معین و مشخصی
است که بوسیله دولت هادر کلیه شئون و مراحل اقتصادی اعم از تولید و توزیع و
مصرف اجرا میگردد. و بدیهی است در این سیستم نیز اصول کلی مالکیت
خصوصی و رقابت و ابتکار آزاد حفظ گردیده است.

اما در عین حال مسئله مورد بحث ما تنها مر بوط ب مداخله دولت در اقتصاد
نیست. پیدایش مکتب اقتصاد ملی و حمایت از صنایع داخلی عکس العمل دیگری
بود که فساد اقتصاد لیبرال بوجود آورد. لیست در کتاب خود بنام نظام ملی
اقتصاد سیاسی مینویسد قدرت تولیدی هر اجتماع فقط نتیجه حسن نفع جوئی
فردی نیست بلکه این قدرت بستگی ب موقعیت فرهنگی و اجتماعی آن ملت دارد.
آسایش و رفاه در هر کشور بتناسب توسعه قوای مولد کشور زیاد میشود نه در
اثر ترا کم ثروت و این قوای مولد عبارتند از منابع طبیعی علوم و فنون و

قوانین متناسب بالا بردن سطح هوش و ذکاوت انتظام در جامعه و توازن صنایع و مشاغل. لیست معتقد است که قدرت تولیدی کشورهای یکسان نیست و از همین جا با آدام اسمیت مخالفت میکنند. اسمیت میگوید برای توسعه و تکامل اقتصادی کافی است اجازه دهیم فعالیت خصوصی توسعه یابد و این منظور خود بخود وقتی تأمین میشود که هر کشور قوای خود را در تولید کالائی متمرکز کند که از همه بهتر آنرا تولید مینماید. اما لیست اعلام میدارد (و منطقی هم هست) که این امر برای کشور انگلیس بسیار متناسب است زیرا این کشور زودتر صنعتی شده و از دیگران جلو افتاده است و آدام اسمیت موقعی این قانون را وضع کرده است که تولید صنعتی بریتانیا حائز درجه عالی بود. حال اگر ممالک جوان دیگر از سیاست آزادی تجارت پیروی کنند مواجه با رقابت انگلیس میشوند و این رقابت مانع از آنست که کشورهای مذکور تولید صنعتی خود را تکامل بخشند. و باز لیست معتقد است برای رشد ملی و فرهنگی باید قائل بجزایان تاریخی گردید و سیاستی که بایک مرحله از مراحل رشد کشور متناسب باشد با مرحله دیگر متناسب نیست. عقیده علمای کلاسیک را هنگامی میتوان پذیرفت که تمام قسمتهای دنیا از لحاظ اقتصادی و صنعتی رشد کرده باشند. هر کشور در مراحل اولیه رشد صنعتی باید صنایع و محصولات آنرا که برای داشتن یک دستگاه تولید هم آهنگ لازم است حمایت نماید.

مکتبهای دیگری نیز برای حمایت از صنایع داخلی بوجود آمده است. بموجب این تئوریهها غالباً بین منافع ملی و منافع فردی تباین و اختلاف وجود دارد و بهمین جهت دخالت دولت در سیاست بازرگانی ضروری است برای عقب افتادگی کشورهای که از تئوری آزادی تجارت آقای آدام اسمیت پیروی کرده اند دلائل آماری و دلائل تاریخی ملموس و محسوس فراوان است وقتی کشورهای آسیا و اروپا و یا حتی کشورهای اروپای غربی و شرقی را در نظر میگیریم مقایسه جالبی پیش میآید: بین این کشورها بازرگانی و مبادله آزاد جریان دارد. کشورهای غربی کالای صنعتی صادر میکنند و مواد خام وارد مینمایند و کشورهای آسیا و حتی اروپای شرقی کالای صنعتی وارد و مواد خام صادر مینمایند. نتیجه این مبادله ثروت و غنا برای کشورهای اروپای غربی و فقر و محرومیت برای کشورهای تولید کننده مواد خام است! از تضاد بین اروپای غربی و آسیا یعنی تضاد بین ماشین بخار و آسیای بادی این نتیجه بدست میآید که ساختمان مبادله یک کشور و نوع صادرات و واردات آن مشخص و مبین میزان ثروت و تمدن آنست.

بنابر تعلیمات کلاسیک فایده مبادله بین المللی طرفینی است و حتی این مبادله بیشتر
 بنفع کشورهای فقیر است تا ممالک ثروتمند. این تئوری را اسمیت و ریکاردو
 و دیگر تئوریسین های کشورهای پیش افتاده همراه کالاهای خود بتمام نقاط
 جهان صادر نمودند و مبنای فکر اقتصادی و همکاری بین المللی قرار دادند اما
 واقعیت تاریخی در قرن ۱۹ افزایش سریع ثروت در ممالک صنعتی و توسعه
 فقر در کشورهای کشاورزی مشرق بود. باین ترتیب دلائل علمی و تئوری
 کلاسیک با شواهد و واقعیت های تاریخی تضاد و تباین پیدا میکند و هر جا که
 تجربه صحت تئوری را تأیید نمود تئوری باطل میگردد. یعنی چون تاریخ
 دروغ نمیگوید روشن است که تئوری کاذب بوده و باید بدور ریخته شود.
 تجربه تاریخی میگوید تعلیمات کلاسیک موجبات تسلط اقتصادی و بهره برداری
 سازندگان تئوریها را فراهم ساخته است

و اینک پس از مقدمه مختصری که ذکر شد میتوانیم مطالب نشریه
 شورای اقتصاد را باروشن بینی زیادتری مورد مطالعه و بررسی قرار بدهیم. در
 قسمت اول نشریه اشاره به توسعه صنعتی ایران در سالهای اخیر و افزایش سریع
 و رضایت بخش میزان تولید در کشور شده است و آنرا معلول تشویق دولت از
 سرمایه گذاری خصوصی و حمایت از ابتکار آزاد تلقی کرده اند. و سپس اضافه
 شده که هنگامی میتوان انتظار جدا کثر نتیجه را داشت که راهنمایی و حمایت
 دولت محدود به مرحله اول بنیان گذاری صنایع نباشد و کارخانه های جدید بتوانند
 از محیط اقتصادی مناسب استفاده کنند.

درست است که در سالهای اخیر میزان تولید سیمان - قند و شکر -
 روغنهای نباتی و بعضی مصنوعات فلزی و غیره تا حدود قابل ملاحظه افزایش
 پیدا کرده و درست است که تعدادی کارخانه و کارگاه جدید نصب و تأسیس
 گردیده است اما در عین حال که این پدیده خود بخود قابل توجه و موجب
 امیدواری است ما آنرا بحساب توسعه صنعتی بمعنی اقتصادی اصطلاح نمیگذاریم
 و باندازه تنظیم کنندگان نشریه خوشبین نیستیم. در مقابل این توسعه صنعتی
 بیلان بازرگانی خارجی کشور و صادرات و واردات قرار گرفته است و دبیرخانه
 محترم شورای عالی اقتصاد بیشتر از هر کس میدانند که بیلان بازرگانی خارجی
 کشور ایران از اولین سالهایی که تنظیم شده است - یعنی از سال ۱۲۸۰ شمسی
 هجری پیوسته منفی بوده است. در تمام این مدت تنها چند سال است که بیلان
 بازرگانی خارجی مثبت گردیده و یا بعبارت دیگر کشور مادر آن سالها توانسته

است موازنه در پرداختهای خارجی خود ایجاد نماید. از این سالهای محدود وانگشت شمار ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ را میتوان نام برد. در سالهای مذکور سیاست اقتصادی اعلیحضرت فقید پس از مدتها تلاش و کوشش به نتیجه رسید و صادرات بر واردات چربید. علل این موفقیت بزرگ اقتصادی را در چند مسئله باید جستجو کرد. اول اینکه ساختمان اقتصادی کشور از ۱۳۱۰ بعد تغییر نمود خطوط ارتباطی زیاد شد. جنس صادرات بهتر گردید و قرار دادهای پایا یا متعددی منعقد گردید. و دوم اینکه بالاخره برنامه برای اقتصاد کشور وجود داشت و در این مورد مرکز واحدی نقشه می کشید و آنرا اجرا مینمود. و اینک میزان بازرگانی خارجی ایران در دو سال مذکور:

۱۳۱۸	واردات :	۶۱۲۱۶۴۰۰۰	ریال صادرات:	۸۰۳۸۸۸۰۰۰
	نتیجه	۱۹۱۷۲۴۰۰۰		
۱۳۱۹	واردات:	۸۶۴۹۲۵۰۰۰	ریال صادرات:	۹۲۵۳۸۹۰۰۰
	نتیجه	۶۰۴۵۶۰۰۰		

اگر توسعه صنعتی کشور نتواند از میزان واردات مشابه خود بکاهد و در جهت تعادل پرداختهای خارجی کمکی بنماید از کدام نقطه نظر قابل توجه و اهمیت خواهد بود. و آیا میتوان از لحاظ اقتصادی آنرا قدمی بجلو تلقی کرد؟

اما بلافاصله نشریه اضافه مینماید. «در ماههای اخیر شکایات و تقاضای های متعدد و متواتری از طرف صاحبان و مدیران صنایع جدید بدبیرخانه شورا واصل شده و متقاضیان خواستار تحدید متعادل و متناسبی در واردات کالاهای خارجی مشابه گردیده و اظهار میدارند بر اثر رقابت شدید خارجی ممکن است موقعیت اقتصادی آنها بخطر افتد. «جان کلام همین است و تمام ارزش اقتصادی مطالعه مذکور مبتنی بر ذکر این شکایات و راه حل پیشنهادی در شرایط موجود میباشد. در این جا بحسب احتمال و امکان نباید کرد مسئله اینست که در صورتیکه ورود بی حد و حصر کالاهای بیگانه هم چنان ادامه پیدا کند موقعیت اقتصادی صاحبان صنایع داخلی ایران قطعاً دچار مخاطره خواهد گردید و رقابت آزاد مصنوعات خارجی اجازه رشد و نمو بکالاهای ایرانی نخواهد داد. یک نظر سطحی بر بازار ایران و کالاهائی که در سالهای اخیر عرضه میشود بغویبی نشان میدهد که صاحبان صنایع ایران تا چه اندازه در تظلم خود صادق بوده اند. تحولات اقتصادی اخیر و خصوصاً ارزش حاصله از فروش نفت نه تنها میزان واردات

را بالا برده است بلکه کوچکترین و ساده ترین کالاهای مصرفی بیگانه را که مشابه آنها در ایران تهیه میشد بیازار ما کشانید. وقتی جوراب و کفش و دستمال و کراوات و لباس دوخته و انواع آبجو و سیگار و شیرینی و شکلات و آب نبات و قوطی های حاوی گوشت و پنیر و لوبیا و بادام و غیره و غیره وارد کشور میگردد بخوبی محسوس و منطقی خواهد بود که تمام صنایع مشابه دچار کود و تعطیل شود و سرانجام نابود گردد. این يك جنبه مسئله است اما وجود این شکایات و احساس خطر مذکور مفهوم دیگری هم دارد و آن اینست که هرگاه پیش بینی صاحبان صنایع تحقق پیدا کند و در سیل واردات کالاهای بیگانه که اجناس مشابه آنها در کشور تولید میشود وقفه و تقلیلی داده نشود دیگر توسعه صنعتی مفهوم و مصداقی پیدا نخواهد کرد و مبنای امیدواریهای ما بر سراب نهاده خواهد شد.

سپس نشریه ادامه میدهد: «در سالهای اخیر سیاست بازرگانی خارجی از هر حیث برای مملکت لازم بوده است و اجرای آن فوائد عدیده در برداشته منجمله واردات متنوع و فراوان که معلول درآمد سرشار نفت بود عامل اصلی و اولیه ثبات نسبی قیمت ها یا وجود حجم پول در جریان محسوب میشود.» ما متأسفانه با این نظر موافقتی نداریم زیرا با توجه با آنچه گذشت و با توجه به وضع بازرگانی بین المللی و اوضاع و احوال عمومی جهان و وضع اقتصادی کشور خودمان اتخاذ يك سیاست بازرگانی خارجی آزاد را در گذشته آنطور که نشریه شورای اقتصاد با ضرس قاطع تأکید میکند درك و احساس نمی کنیم. نشریه مذکور علل لزوم اتخاذ این سیاست را ظاهر آ اینطور توجیه مینماید: «اگر در سنوات گذشته برای مصرف درآمدهای نفتی و تأمین ثبات قیمتها اتخاذ يك سیاست تجارت خارجی آزاد لازم بود...» تردیدی نیست که اعتبار لازم جهت واردات متنوع و فراوان از محل درآمد نفت پرداخت میشود لیکن مسئله در اینست که آیا ممکن نبود و ممکن نیست بجای اجناس لوکس و ماشین های امپریال آخرین سیستم و کمرست و عطر و مشروب و یا اجناس «بنجل» دیگر در آمد اتفاقی نفت را بمصرف دیگری مانند کارخانه های مولد برق و پارچه بافی و امثال آن برسانیم آیا انواع ماشین های کشاورزی بر این واردات پوچ و متنوع مزیت اساسی ندارد. مادر این عقیده خود کشورهای دیگری را هم شریک میدانیم. دولت همسایه ما ترکیه نیز از سیاست تحدید واردات پیروی میکند و بسیاری از انواع کالاهای بیگانه که در کشور ما بوفور یافت میشود در سراسر ترکیه بچشم

نمیخورد. مطلب دیگری که در این جا باید یاد آور شویم استفاده از درآمد اتفاقی نفت و تکیه کردن بآنست. یک پرنسیب بسیار ساده و قابل فهم اقتصادی اینست که هر کشور باید اقتصاد و بازرگانی خارجی خود را بر اساس درآمدهای مستمر و مطمئن قرار بدهد و از آنرا برای خود ثبات اقتصادی تحصیل کند. درآمد نفت که البته درآمدی سرشار و غنی کننده است خود بخود اسباب مسرت و انبساط خاطر میگردد اما عقل سلیم و منطق دور بین چنین حکم میکند که این درآمد را مبنای کارهای اقتصادی و پایه دادوستد بازرگانی خارجی خود قرار ندهیم و آنرا به مصرف واردات تجملی و بیم مصرف نرسانیم. زیرا اگر یک روز درآمد اتفاقی نفت دچار نکث و کمبود شد یکمرتبه اساس اقتصادی درهم خواهد ریخت. و بالاخره اختلاف دیگر مادر مورد تثبیت قیمتهاست. اگر چه نشریه مذکور کلمه نسبی را اضافه کرده است اما با اعتقاد ما رقابت کالاهای بیگانه و واردات متنوع نیز نقش موثری در تثبیت قیمتها بازی نکرده است و سیر صعودی هزینه زندگی هم چنان ادامه یافته است.

دبیرخانه شورای عالی اقتصاد اتخاذ سیاست بازرگانی خارجی کاملاً محدود و حمایت گمرکی مطلق و اجرای اصول یک اقتصاد بسته را که مابین اصول اقتصادی و مغایر امکان استفاده از همبستگی و تعادل اقتصادی بین المللی است مخالف مصالح اقتصادی کشور میدانند این مسئله آخرین مطلبی است که نشریه اقتصادی مذکور در خصوص کلیات اوضاع اقتصادی ایران ذکر مینماید. تردیدی نیست که در شرایط موجود و بادستگاه اداری و اقتصادی حاضر و همچنین قوانین و مقررات جاری و مورد عمل اتخاذ سیاست بازرگانی خارجی کاملاً محدود و حمایت گمرکی مطلق امکان پذیر نمی باشد اما در اینجا دو نکته را باید یاد آور شد. اول اینکه اگر یک نقشه متمرکز اقتصادی در کشور ما بوجود بیاید و جریان اقتصادی کشور دارای هدف و جهت باشد اتخاذ یک سیاست بازرگانی خارجی محدود و حمایت گمرکی امکان پذیر و ضروری و موافق مصالح ماست. و نکته دیگر اینکه استفاده از همبستگی و تعادل اقتصادی بین المللی مستلزم فراست و ابتکار و داشتن نقشه اقتصادی و دستگاه مقتدر و متمرکز است و صرف حمایت از آزادی رقابت و ابتکار سودی نخواهد بخشید چنانکه تا حال نبخشیده است.

قسمت دوم نشریه عبارتست از صورت و امهانی موجود و سر رسید آنها در آینده «دبیرخانه لازم میدانند نظر شورای عالی اقتصاد را با اهمیت مسئله

تعادل پرداخت ها در سالهای آینده جلب نماید. اگر با وجود عدم تعادل بازرگانی خارجی کشور ما (در گذشته) موفق بموازنه پرداختهای خود گشت نظر بسر رسید قروض خارجی مملکت در سالهای آینده ممکن است تا بین این نظر باسانی میسر نباشد و دولت مجبور شود یا یکبارہ بصر فہ جوئیهای ارزی سنگین و محدود ساختن شدید واردات پردازد و یا با تمدید قرضه های فعلی و استقر اضفای جدید مهلتی برای خود تأمین کند و از آنجا که هیچ يك از این دوراه حل موافق مصالح اقتصادی کشور بنظر نمی رسد حق این است که از هم اکنون بفکر چاره باشیم.

بدون هیچ گونه توضیح یا مقدمه نظر دبیر خانه شورای اقتصاد در این مورد يك نظر اقتصادی صحیح و دقی میباشد. و باید برای پرداخت قروض در سر رسید مقرر محل و اعتباری تأمین کنیم. بحث در اطراف اینکه استقر اضفای مورد بحث آیا ضرورتی داشته است یا خیر بيمورد بنظر میاید زیرا آنچه عجالاً مطرح است استرداد این قروض و تأمین اعتبارات لازم است.

بنا بر گزارش خزانه داری کل کشور که در نشریه دبیر خانه شورای اقتصاد ذکر شده است سر رسید و امپهای مملکت در سال ۱۳۳۷ معادل ۲۸۳۶۶۷۶۴ دلار بود و این رقم تا پایان مهر ۴۷ بالغ بر ۲۰۵۴۰۲۶۸۴ دلار خواهد گردید و تازه شامل قرضه هائی که در ۷ ماه اخیر تحصیل گردیده نیست.

نشریه بحث خود را در مورد این مسئله ادامه میدهد: «کشوری که باید در سالهای آینده بیش از سیصد میلیون دلار اصل و فرع اعتباراتی را که برای توسعه اقتصادی و تأمین مخارج ضروری خود تحصیل نموده پردازد و گذشته از آن ممکن است مجبور باستقر اضفای دیگری گردد و نیز باید عدم تعادل بازرگانی خارجی خود را جبران نماید باید بطور طبیعی قسمتی از واردات غیر ضروری و تجملی خود را محدود نماید.» تردیدی نیست که این چاره جوئی و پیش بینی تنظیم کنندگان نشریه منطقی و درست بنظر میاید و جز تحدید واردات و سیله برای استرداد قروض خود نداریم.

و اما قسمت سوم نشریه متضمن تز اساسی و نظریه اصلی تنظیم کنندگان نشریه در مورد بازرگانی خارجی ایران و حمایت از صنایع داخلی است. نشریه مینویسد: از لحاظ سیاست اقتصاد صنعتی رقابت خارجی و عرضه کالاهای غیر ایرانی در بازارهای کشور بهترین ضامن و موثرترین عامل کوشش مداوم

صاحبان صنایع داخلی در بهبود محصول خود و انطباق آن با تحول اقتصادی و صنعتی مداوم جهان خواهد بود بنابراین سیاست تجارت خارجی کشور باید مبتنی بر یک تألیف و تلفیق عاقلانه و عادلانه میان دو اصل فوق یعنی حمایت از صنایع داخلی و فواید رقابت خارجی باشد. تنظیم کنندگان نشریه برای اجرای نظریه خود یعنی تلفیق اصل اقتصاد آزاد با حمایت صنایع داخلی و همچنین چاره اندیشی برای پرداختهای ارزی مملکت پیشنهاد کرده اند:

۱- واردات مملکتی بر اساس احتیاجات کشور و مصالح توسعه اقتصادی و حذف کلی واردات تجملی طبقه بندی شود. توضیح این است که قسمتی از واردات مانند ماشین آلات صنعتی و کشاورزی و وسائل باربری مواد اولیه مورد احتیاج بعضی صنایع داخلی و کتب و مطبوعات و ابزار علمی و داروها و مواد شیمیائی که مورد احتیاج است ابقا گردد و در همان قسمتی دیگر از واردات مانند اتوموبیل سواری و وسائل آسایش منزل رادیو و تلویزیون و امثال آن با اتخاذ یک سیاست صحیح سود بازرگانی انتخابی بعمل آورد و ورود انواع بزرگ تجملی آنها را منوط پرداخت حقوق گمرکی بیشتری نمود و بالاخره دسته ثالثی از واردات مانند اسباب بازی و گل مصنوعی و شیرینی و عکس و مشروب را حذف نمود.

۲- در مورد حمایت صنعتی از آنجا که منع ورود کالاهای ضروری که مشابه آنها در ایران تهیه میشود با اصل آزادی رقابت مبین است و ممکن است موجب کندی پیشرفت صنایع ملی گردد بهترین راه حل اینست که در صورت افزایش میزان تولید داخلی در بعضی رشته ها بسود بازرگانی اجناس مشابه خارجی افزوده شود تا هم حمایتی از تولید داخلی بعمل آمده باشد و هم رقابت خارجی همواره از باب صنایع را بکار و کوشش وادارد. و در پایان بحث نشریه توصیه مینماید. سیاست تجارت خارجی ایران نباید فقط از لحاظ بازرگانی مورد توجه قرار گیرد بلکه باید بر حمایت صنایع تعادل و توازن پرداختها و رعایت قوانین اجتماعی و کارمبتنی باشد..

در مورد اقتصاد ایران و حمایت از صنایع داخلی ما نظریه کلی و اساسی داریم و بنا بر این چنانکه در ابتدای این مقاله اشاره شد بهتر است قبلاً نظر خود را بیان کنیم و سپس باظهار عقیده در مورد نظر دبیرخانه شورای عالی اقتصاد پردازیم.

و تنها بکاشتن گندم و پنبه و تهیه مواد خام سرگرم باشیم و ملل دیگر باهوش و استعدادی کمتر از ما اتومبیل و تراکتور و ماشین نساجی و رادیو و تلویزیون بسازند و ما را دنبال خود بکشانند؛ گویا ممکن است این تقدیر را تغییر داد و تنها پشت کار و نقشه لازم دارد.

باین ترتیب نظر ما در داشتن يك نقشه اقتصادی متمرکز و دقیق است و معتقدیم موجبات و شرایط ایجاد يك صنعت مدرن و نیرومند در ایران وجود دارد. بنابراین ما نمیتوانیم با فرمول نشریه شورای اقتصاد قناعت کنیم و تصور میکنیم تنظیم کنندگان آن نیز با طرح و تنظیم يك نقشه عمومی اقتصادی مخالفتی نداشته باشند.

و اما در غیاب این نقشه عمومی اقتصادی فرمول پیشنهادی دبیرخانه شورای اقتصاد يك فرمول صحیح و مترقی و یکقدم بجلو محسوب میشود. فرمول پیشنهادی آنطور که ما استنباط مینمائیم عبارتست از اینکه اولاً باید سیاست تحدید واردات بعلم و جهات مشخص و معینی که یکی از آنها لزوم استرداد و امپاست مورد اتخاذ و عمل قرار گیرد و ثانیاً باید صنایعی که بهر حال در داخله کشور بوجود آمده و کالاهای مورد نیاز عمومی را تولید می کنند حمایت شوند. چنانکه از خلال سطور و مطالب نشریه برمیآید تنظیم کنندگان آن نیز معتقدند سیاست تعیین سهمیه چه در خارج و چه در ایران شکست خورده و غیر عملی است بنابراین تحدید واردات و حمایت صنعتی را باید بوسیله حذف کلی واردات تجملی و تقلیل و انتخاب بعضی اقلام که هنوز مورد لزوم و احتیاج است عملی نمود و از طرف دیگر با افزایش سود بازرگانی دولت نسبت بکالاهائی که مشابه آنها در ایران تولید میشود از مصنوعات داخلی حمایت کرد. و بطوری که نوشتیم در غیاب يك نقشه اقتصادی عمومی که برای اقتصاد و آینده مملکت هدف و جهتی را تعیین و پیروی نماید با این ترموافقیم.

نظریه دبیرخانه شورای اقتصاد در مورد حمایت صنعتی يك سیاست افزایش سود بازرگانی و یاد در حقیقت تعرفه گمرکی است. باید میزان مصرف داخلی را در مورد يك کالا تعیین نمود و ضمناً از تولید داخلی همان کالا بطور تقریب برآوردی بدست آورد. و آنگاه مازاد بر تولید داخلی را که مورد نیاز و مصرف است. با اخذ سود بازرگانی (حقوق گمرکی) از خارج وارد نمود و بعقیده ما باید میزان سود بازرگانی چندان باشد که اختلاف قیمتی محسوس بین کالاهای

خارجی و کالای مشابه داخلی بوجود بیاورد و صنایع داخلی را از این راه مورد حمایت شدید قرار بدهد.

نشریه شورای اقتصاد پیشنهاد مینماید لا اقل در مورد بازرگانی خارجی و حمایت از صنایع داخلی کشور نقشه و برنامه تنظیم گردد و « نظر باینکه بتدریج محصول صنایع جدید وارد بازار میشود و عاملی در افزایش عرضه کالا خواهد بود باید بهمان میزان و نسبت در سیاست بازرگانی خارجی ایران تجدید نظر شود. » و اتخاذ این نظریه در شرایط موجود یک کار اساسی و صحیح میباشد در پایان این بحث مقایسه کوتاهی بین وضع اقتصادی کنونی و آنچه قبل از شهر یور بیست در این کشور میگذشت مفید و جالب بنظر میآید. بنظر ما عوامل مساعد سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ نسبت به عوامل مساعدی که پس از سال ۱۳۲۰ در ایران بوجود آمد فوق العاده کمتر و عوامل نامساعد آن زمان که برای اولین بار یک سیاست اقتصادی در ایران بوجود میآید فوق العاده بیشتر بوده است.

قوانین بودجه و ارز و بازرگانی خارجی و تعرفه گمرکی که قبل از شهر یور بیست بتصویب رسید علیرغم موانع و مشکلات داخلی و خارجی دارای هدفهای زیر بود:

۱- حمایت از صنایع داخلی و اجرای برنامه صنعتی کردن کشور

۲- برقراری تعادل در تجارت خارجی

۳- جلوگیری از آثار بحران بزرگ بین المللی

بموجب قوانین بازرگانی خارجی که هدفی جز تعادل بین واردات و صادرات نداشت مقرر بود وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی یا صنعتی خارجی بایران مشروط بشرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران باشد و تنها دولت میتواند است از این شرط عدول کند.

و مجدداً در تعرفه های گمرکی سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰ هدفهای زیر مورد توجه قرار گرفت:

۱- حمایت محصولات و صنایع داخلی

۲- حمایت منافع مصرف کنندگان

۳- ازدیاد درآمد گمرکی

اعلیحضرت فقید در آمد نفت را یکجا بحساب اندوخته مملکت میبرد و تنها از مالیات قند و شکر و عواید داخلی راه آهن سرتاسری ایران را بوجود

آورد. با تمام این احوال سیاست بازرگانی معقول و سنجیده او منجر به ایجاد موازنه بازرگانی و تعادلی در اقتصاد کشور شد اما در این سالهای اخیر که در آمد سرشار نفت نیز صرف نیازمندیهای عمومی و برنامه‌های توسعه و ترمیم میگردد کسر بازرگانی خارجی بیشتر از تمام ادوار گذشته شده تجارت خارجی کشور تابع هیچ قاعده و قانون پیش‌بینی شده‌ای نیست بر نامه برای صنعتی کردن کشور و یا حتی حمایت از صنایع داخلی در دست نداریم و مبالغ معتنا بهی نیز از خارج قرض کرده‌ایم و بسیار محتمل است چنانکه دبیرخانه محترم شورای عالی اقتصاد پیش‌بینی و اظهار نگرانی کرده است بهنگامی که موعد پرداخت قروض خارجی فرارسد بتمدید قرضه‌های فعلی و استقراض جدید دست بزنیم. اینست تفاوتی که اقتصاد کنونی ما با اقتصاد قبل از شهر یور بیست دارد و چنین است آثار و نتایج درخشان پیروی و تبعیت از نظریه‌های اقتصادی آدام اسمیت و ریکاردو که در قرون ۱۸ و ۱۹ دارفانی را وداع گفته و بسرای جاودانی شتافته‌اند!

اگر عمری بود و فرصتی دست داد بار دیگر هم در خصوص اقتصاد ایران مطالعه میکنیم.

ناصر و ثوقی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جمع علوم انسانی

قرون و اعصار با بنیاد انسان آموخته است که بنیان حیات بر بنیان خانواده استوار است .
 قرون و اعصار با بنیاد انسان آموخته است که محبت و آرامش رادر کانون خانواده جستجو کند .
 اما هیچ گاه خانواده با اندازه قرن بیستم متزلزل نبوده است .
 آیا سر نوشت خانواده بشری بکجا خواهد انجامید ؟